

آنچه که ماه می آورد^۱

نویسنده: اچ. پی. لاوکرفت^۲

مترجم: سهراب نبی پور



تصویر ۱- فانوس دریایی ادیستون در طوفانی به وقت ماه کامل (دفتر طراحی مربوط به دره‌ی هیث‌فیلد)^۳، جوزف ملورد ویلیام ترنر^۴، رنگ روغن روی کاغذ، حدود ۱۸۱۳، ۱۸۱ در ۲۲۸ میلی‌متر، موزه‌ی هنر تیت لندن^۵ (منبع: [url 1](#))

من از ماه متنفرم-از آن هراسانم-چرا که وقتی بر صحنه‌های آشنا و دوست داشته‌ی به خصوصی می‌تابد آن‌ها را نامأنوس، وقیح و زنده می‌گرداند.

¹ What the Moon Brings

در اینجا فعل "آوردن" علاوه بر افزودن وضعیتی خاص به صحنه‌ی روایی اثر کنایه از به ارمان آوردن نیز دارد، که برای انتقال لحن و حفظ دوگانگی متن ساده آورده شد.

² Howard Phillips Lovecraft (1890-1937)

نویسنده‌ی ادبیات داستانی غریب، فانتزی و وحشت، و شاعر آمریکایی.

³ The Eddystone Lighthouse in a Storm by a Full Moon (Vale of Heathfield Sketchbook)

⁴ Joseph Mallord William Turner (1775-1851)

نقاش (نقاش رنگ روغن)، چاپگر و آبرنگ‌کار رمانتیک انگلیسی

⁵ Tate (<https://www.tate.org.uk/>)

در تابستان شبح‌گون به وقت تابش مهتاب بر دیرینه باغ بود، آنجا که من در آن سرگردان شدم؛ تابستانی شبح‌وار از گل‌های رخوتناک^۶ و دریایی نمدار از گیاهانی که رویاهایی نارام^۷ و رنگارنگ با خود دارند. به هنگام قدم زدن از کنار جویبار کم‌ژرفای آبگینه^۸، آبلرزه^۹های غریبی می‌دیدم که به نور زرد آغشته بود، آب‌های سر به زبری^{۱۰} که گویی بر سیلان^{۱۱}هایی ناپایدار^{۱۲} به اقیانوس‌های غریبه‌ای که در این جهان نیستند کشیده می‌شدند. خموش و پرتاللو^{۱۳}، براق^{۱۴} و محنت‌بار^{۱۵}، آن آب‌های ماه‌زده^{۱۶} به ناکجا شتاب می‌کردند؛ چندی که از سیلاب‌گیر^{۱۷}های پناه‌گرفته^{۱۸}، شکوفه‌های سپید نیلوفر یکی پس از دیگری در باد افیونی شب پرپر زده و به نومیدی در جویبار می‌افتادند، و پس از گذر گرداب‌گون دهشتناکی از زیر پلِ حکاک‌شده‌ی طاقدار، با تسلیمِ شومِ چهره‌های ناکار و مرده به عقب خیره می‌شدند.

و همانطور که در امتداد ساحل دویدم، و همواره دیوانه‌تر از ترس موجودات ناشناخته^{۱۹} و اغوای آن صورت‌های مرده، گل‌های خفته را با پاهایی بی‌پروا لگدمال می‌کردم، دیدم که باغ در زیر آن ماه پایانی ندارد؛ چرا که هرکجایی که در روز دیوارها قرار داشتند، هم اکنون تنها دورنمای تازه‌ای از درختان و راه‌های باریک، گل‌ها و درختچه^{۲۰}ها، بت‌های سنگی و بتکده‌های شرقی (پاگودا^{۲۱}ها)، و خمیدگی‌های جویبار زرد-فروزان^{۲۲} گذشته از کناره‌های پوشیده از علف و زیرگذرهای پل‌های مرمرین غریب‌وش^{۲۳}، امتداد یافته بود. و لبان آن صورت‌های مرده اندوهناک و نجوا کنان، مرا به تعقیب خود فرمان می‌داد، ناتوان از توقف قدهایم، تا به هنگامی که رود، رودخانه شد، و به میانه‌ی مرداب‌هایی از نی‌های رقصان^{۲۴} و شن‌زارهایی از ماسه‌های تابان^{۲۵} پیوست، (من بودم و) ساحل^{۲۶} دریایی بی‌نام و بیکران.

بر آن دریا ماه منفور می‌درخشید، و برفراز امواج بی‌صدایش عطرهايي غریب غرق در افکار خویش پرواز می‌کرد. و چون صورت‌های نیلوفری^{۲۷} و ناپدید شدنشان در آن امواج را نظاره کردم، در آرزوی داشتن توری بودم تا شاید بتوانم با کمکش آنان را از آب بگیرم و رازهایی را که ماه بر این شب آورده بود از آنان بیاموزم. اما هنگامی که ماه به سوی غرب رفت و فراز آب از آن ساحل عبوس فرو نشست، در آن نور مناره^{۲۸}هایی باستانی و ستون‌های سفیدی دیدم سرخوش آراسته به زنجیرهایی زینتی از جلبک‌های سبز دریایی که امواج قریباً از آن پرده برمی‌داشت. و با دانستن این که تمامی مردگان به این مکان غرق شده در ته دریا آمده بودند، به خود لرزیدم و دیگر هم صحبتی با آن صورت‌های مرده‌ی نیلوفری را آرزو نکردم.

⁶ narcotic

⁷ wild

⁸ crystal

⁹ ripple

¹⁰ placid

¹¹ current

¹² Resistless

در اینجا واژه‌ی "ناپایدار" به معنی عاری از هر گونه مقاومت به کار رفته است.

¹³ sparkling

¹⁴ bright

¹⁵ baleful

¹⁶ moon-cursed

¹⁷ bank

¹⁸ embowered

¹⁹ unknown things

اشاره به چیزهای ناشناخته.

²⁰ shrub

²¹ Pagoda

ساختمانی مذهبی و چند طبقه، معمول در شرق و جنوب شرق آسیا که هر

طبقه‌ی سقفی خمیده دارد.

²² yellow-litten

²³ grotesque

²⁴ swaying

²⁵ gleaming beaches

²⁶ shore

²⁷ lotos-faces

²⁸ spire

با این حال وقتی که از دور کرکس^{۲۹} سیاهی را دیدم که به دنبال لختی آسودگی در دریا از آسمان بر روی آبسنگ^{۳۰} وسیعی فرود می‌آمد، مشتاق آن بودم که کاش از او می‌پرسیدم، و از او از آنان که به وقت زنده بودنشان شناخته بودم پرس و جو می‌کردم. (آری) این را از او جويا می‌شدم اگر اینقدر دور نبود، اما او بسیار دور بود، و وقتی که به آبسنگ غول‌پیکر نزدیک شد دیگر حتی قابل دیدن نیز نبود.

پس من به تماشای جریان آب که در زیر ماهِ غرق شونده^{۳۱} عقب می‌نشست ایستادم، و درخشش مناره‌ها، برج‌ها و سقف‌های خیس آن شهر مرده‌ی چکان را به چشم دیدم. و همانطور که به تماشا ایستاده بودم، حفره‌های بینی‌ام در برابر تعفنِ عطرگش^{۳۲} مردگان جهان به بسته شدن می‌کوشید؛ زیرا که به راستی، در این نقطه‌ی ناواقع^{۳۳} فراموش شده بود که تمامی اجساد گوستین قبرستان‌های کلیساها^{۳۴} از برای کرم‌های دریایی پف کرده گرد آمده بودند تا به وسیله‌ی دندان‌هایشان جویده و خورده شده و شکم‌های آنان را فربه گردانند.

بالاسر آن موجودات دهشتناک، ماهِ شرور اکنون بس فروافتاده آویخته بود، اما برای خوردن، کرم‌های پف‌دار دریا را هیچ قمری نیاز نیست. و همانطور که به تماشای آبلرزه‌هایی که از بی‌قراری و به خود پیچیدن چندشناک کرم‌های زیرینشان خبر می‌دادند، مشغول بودم، لرز تازه‌ای از دور، از آنجا که آن کرکس بدان پرواز کرده بود، بر جسمم پولاب شد^{۳۵}، گویی که گوشت تنم وحشتی را پیش از دیده‌شدن توسط چشمانم دریافته بود.

گوشت تنم بی جهت نبود که لرزیده بود، چرا که وقتی چشمانم را بلند کردم^{۳۶} دیدم که جزر آب بسیار فرونشسته بود، به طوری که بخش اعظمی از آن آبسنگ که دیواره‌اش را پیش از این دیده بودم بر من نمایاند. و چون دیدم که این صخره‌ی دریایی، تاج سیاه‌بازالتی^{۳۷} تمثالی^{۳۸} تکان‌دهنده بود، که پیشانی غول‌پیکرش^{۳۹} اکنون در کورسوی مهتاب می‌درخشید و سم‌های دون و پرگناهش^{۴۰} به حتم بر تراوشات جهنمی^{۴۱} مایل^{۴۲}‌ها پایین‌تر پرماسیده^{۴۳} و چنگال می‌کشید^{۴۴}، جیغ کشیدم^{۴۵} و جیغ کشیدم که مبادا آن رخسار پنهان از آب برآید، و مبادا آن چشمان پنهان پس از ترک بی‌سر و صدای^{۴۶} آن ماه هیز^{۴۷} زرد نابکار^{۴۸} به من نگاه کنند.

²⁹ condor

کرکس آمریکایی؛ بزرگ‌ترین پرنده‌ی ایالات متحده و آمریکای شمالی.

³⁰ reef

³¹ sinking

همچنین به معنی "در حال غروب"، که برای حفظ دوگانگی معنا و نزدیکی به واژگان وابسته به دریا، معادل "در حال غرق شدن" برای آن قرار گرفت.

³² perfume-conquering stench

³³ unplaced (بی‌مکان)

³⁴ churchyard

^{۳۵} محسوس شد.

^{۳۶} اشاره به بلند کردن سر برای نگاه کردن.

^{۳۷} سیاه‌سنگ، نوعی سنگ آتشفشانی.

³⁸ Eikon (icon)

اشاره به تندیس‌ها و شمایل مقدسی که مورد نیایش قرار می‌گیرد.

³⁹ monstrous

⁴⁰ vile hooves

⁴¹ hellish ooze

⁴² Mile (1.6 km)

^{۴۳} مایلین.

⁴⁴ paw

⁴⁵ shrieked

⁴⁶ slinking away

⁴⁷ Leering

خیره شدن به طرزی که طرف مقابل احساس راحتی نکند. / نگاه کردن از روی بدجنسی یا هرزگی. / در برخی موارد حتی زیرچشمی یا دزدکی نگاه کردن.

⁴⁸ treacherous

و برای گریز از این، چیز^{۴۹} بی‌امان، بامسرت^{۵۰} و بدون تردید خود را درون آن آب‌های کم‌عمق متعفن پرتاب کردم^{۵۱}،
آنجا که در میان دیوارهای جلبک‌گرفته‌ی دراز و باریک^{۵۲} و خیابان‌های غرق شده کرم‌های فربه دریایی ضیافتی از مردگان
جهان برپا می‌کنند.

منبع تصویر: <https://www.tate.org.uk/art/artworks/vale-of-heathfield-sketchbook-65779/85>

منبع: <https://www.hplovecraft.com/writings/texts/fiction/wmb.aspx>

⁴⁹ thing

⁵⁰ gladly

⁵¹ plunged into

⁵² weedy

هم اشاره به دراز باریک بودن دیوارها و پوشیدگی آنان از گیاهان هرز، و هم اشاره
به شباهت دیوارها به جلبک‌ها هرز گیاهان آب‌های کم عمق.

هم زمان اشاره به موجودی ناشناخته.